

نقد دیوان نظام‌الدین استرآبادی (قصاید) تصحیح و چاپ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

محمد رضا پاشایی *

چکیده

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۱ تصحیح دیوان نظام استرآبادی را منتشر کرد. با احترام به تصحیح‌کنندگان و سپاس از زحمات آنان برای معرفی این اثر به جامعه علمی، در این مقاله تصحیح این دیوان نقد می‌شود. درون‌مایه این اثر، دینی است و با ادبیات شیعی (پیش از دوران صفویه) ارتباط دارد؛ به همین سبب انتظار می‌رود تصحیح‌کنندگان با گذاشتن وقت بسیار، این تصحیح را با دقتی ستودنی به انجام رسانده باشند. مسئله اصلی این پژوهش بررسی شیوه تصحیح و ارائه کاستی‌های اثر است تا شاید در چاپ بعدی زوده شود؛ همچنین نشان‌دادن مبنایی برای کارهایی از این دست است تا تصحیح‌کنندگان دیگر، چنین خطاهایی را تکرار نکنند. با بررسی این تصحیح و مقابله آن با نسخه‌های خطی ای که تصحیح‌کنندگان از آن بهره برده‌اند، نکته‌های درخور توجهی به دست آمد؛ مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ناهماهنگی عنوان کتاب با محتوا و اشاره نکردن به مثنوی سعادت‌نامه و دستور معما، نقص مقدمه، نداشتن روش علمی در شیوه تصحیح، ترجیح‌های نادرست در نسخه‌بدل‌ها، بی‌دقتی‌های بسیار املائی و انشایی و چاپی، بی‌توجهی به معنا در تصحیح، افتادگی‌های ابیات، نداشتن فهرست قصاید، نداشتن شماره ابیات در قصاید و قالب‌های دیگر شعری، ارجاع‌های ناقص در متن و پاورقی، بیان مطالب تاریخی بدون پایه علمی، تسلط نداشتن به معنای متن، پایین‌نبودن به ارزش‌گذاری نسخه‌ها، معنی‌نشدن واژه‌های ناآشنا برخلاف آنچه در مقدمه گفته شده است، حذف کمابیش همه نسخه‌بدل‌ها و آوردن سلیقه‌ای بعضی از نسخه‌بدل‌ها با اشتباه، ناآشنایی تصحیح‌کنندگان با شیوه نگارش کاتبان و در نتیجه خوانش‌های نادرست، توجه نداشتن به وزن‌های عروضی در خوانش اشعار و خطاهای خوانشی آشکار، افتادگی واژه‌ها، مشخص نبودن ابیات تضمین‌شده، تکراری چاپ‌شدن ابیات و مصراع‌ها، آشفتگی پاورقی‌ها در ارجاع به نسخه‌بدل‌ها.

واژه‌های کلیدی

دیوان نظام‌الدین استرآبادی، نقد تصحیح، شیوه تصحیح

۱- مقدمه

هریک از آثار نوشتاری که از پیشینیان بازمانده است، مانند حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ این مرزوبوم است. اگر تصحیح بر مبنای اصول و قاعده‌های علمی استوار باشد، میراث نوشتاری را می‌توان زنده نگاه داشت؛ همچنین برای کامل کردن زنجیره علمی و شناخت درست تر از فرایند دگرگونی در زمینه زبان و ادب فارسی گامی مؤثر برداشته می‌شود. برای به دست آوردن این خواسته باید متون تصحیح شده، درخور اعتماد باشند تا پژوهشگران بتوانند با اطمینان بسیار در پژوهش‌های خود به این منابع تکیه کنند. این ضرورت به‌ویژه در حوزه زبان و ادبیات فارسی بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا هر یک از این متون، گوشه‌ای از ساختار و تاریخ دگرگونی زبان و ادبیات فارسی را نیز نشان می‌دهند. ضرورت دستیابی به این امر مهم، انگیزه‌ای برای بررسی دیوان نظام استرآبادی بود تا کاستی‌ها و قوت‌های آن به اهل پژوهش نمایانده شود.

نظام از شاعران توانمند در قرن نه و ده هجری است که اشعار ارزشمندی در حوزه ادبیات آیینی سروده است. او به شاعران سبک عراقی به‌ویژه سلمان ساوجی و خاقانی و انوری توجه ویژه‌ای دارد. البته به سبب پیشینه معماگویی، ابیات مبهم و معماگونه بسیاری دارد که یادآور اشعار سبک هندی است؛ درواقع نظام را از شاعرانی می‌توان دانست که راه را برای دگرگونی سبک عراقی به هندی هموار کردند. علاقه ویژه نظام به ادبیات شیعی و ستایش امام علی (ع) و ائمه دیگر شیعه، جایگاه او را در ادبیات آیینی استوار می‌کند؛ به‌ویژه آنکه در روزگار پیش از صفویه می‌زیسته است.

۱-۱ معرفی کوتاه شاعر

نظام‌الدین بن حسین بن مجدالدین استرآبادی از شاعران سده نه و اوایل ده هجری است (دیباچه نسخه خطی دستور معما).^۱ در تذکره‌ها از او با عنوان‌های مولانا نظام‌الدین استرآبادی و نظام معمایی و نظام استرآبادی یاد شده است. نظام تحت تأثیر اوضاع ادبی روزگار، به معماگویی گرایش یافت و به نظام معمایی مشهور شد. رساله‌ای نیز با عنوان دستور معما نوشت؛ اما با ظهور امیرحسین معمایی، نظام و دیگران سپر افکندند؛^۲ بعد از آن به قصیده‌سرایی روی آورد. او مدتی در هرات، مرکز سیاسی و ادبی روزگار، در خدمت سلطان حسین میرزا معروف به سلطان حسین باقرا بود و به وزیر دانشمند و ادیب او امیرعلیشیر، متخلص به نوایی، ارادت ویژه‌ای داشت. مدتی بعد به زادگاهش بازگشت؛ او برای گذران زندگی، حاکمان استرآباد را می‌ستود و افزون‌بر آن، به منقبت‌گویی پیامبر و اهل بیت نیز می‌پرداخت؛ در این شیوه از دیگران پیشی گرفت و بسیار نام‌آور شد؛ به‌گونه‌ای که بیشتر تذکره‌ها او را شاعری معرفی می‌کنند که فقط اهل بیت را ستوده و جز آن شعری نگفته است.^۳ در پایان عمر تنها به این نوع شعر بسنده کرد. در سال ۹۱۸ هجری مثنوی حماسی دینی به نام سعادت‌نامه^۴ سرود؛ موضوع آن، زندگی پیامبر و مبارزه‌های اوست. سلیمان و بلقیس، مثنوی دیگری است که نسخه‌های آن حفظ نشده است. نظام‌الدین استرآبادی در سال ۹۲۵ قمری در استرآباد از دنیا رفت.^۵

۲-۱ پیشینه پژوهش

علی حیدری یساولی در مقاله «دیوان نظام یا دیوان بی‌نظام» به نقد این چاپ پرداخت و نکته‌های ارزشمندی را بیان کرد. او با ذکر مقدمه‌ای که شاعر بر دیوان خود نوشته (این مقدمه فقط در دست‌نویس کتابخانه ملی به شماره ۲۵۱۴ موجود است)، کاستی چاپ مجلس را جبران کرد. همچنین به محتوای دیوان نیز توجهی کلی داشت و برخی نکته‌ها و افتادگی ابیات و تصحیح‌های نادرست را بیان کرده است (یساولی، ۱۳۹۲: ۴۴). او در مقاله «خون این دیوان که را بر گردن است؟» با معرفی کهن‌ترین دست‌نویس دیوان نظام و مقایسه اشعار این نسخه با نمونه چاپی مجلس، نکته‌های مهمی را ارائه کرد که تلاشی ستودنی است (همان، ۱۳۹۴: ۶۶).

۳-۱ روش پژوهش

در این مقاله، ساختار کلی نسخه چاپی مجلس، روش تصحیح و توضیحات مقدمه نقد شده است. نسخه‌های خطی‌ای که تصحیح‌کنندگان استفاده کرده‌اند با متن چاپی مقایسه شد و نکاتی به دست آمد که به دو بخش «نقد کلی دیوان و مقدمه» و «ایرادهای تصحیح متن» تقسیم می‌شود. البته به سبب بسیاربودن شواهد پژوهش، فقط نکته‌های مربوط به بخش قصاید در این مقاله ارائه شده است.

۲- معرفی کوتاه نسخه‌های خطی

۱-۲ نسخه اساس

این نسخه به شماره ۸۲۶ در مخزن کتابخانه شماره دو مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. عبدالله کاتب آن را در سال ۹۶۷ هجری، یعنی کمابیش ۴۰ سال بعد از وفات شاعر با خط نستعلیق خوش در ۱۹۷ برگ نوشته است. این همان نسخه کتابخانه مفتاح است که در فهرستواره دنا جداگانه معرفی شده است؛ زیرا در صفحه اول، مهر کتابخانه دکتر مفتاح مشاهده می‌شود. این نسخه، دو بخش دارد: بخش نخست تا صفحه ۵۹ که تنها شامل قصاید است و مضامین آنها، مدح و منقبت ائمه و دعوت به درویشی و دوری از دنیاست. بخش دوم از صفحه ۵۹ تا پایان نسخه است؛ یعنی تا صفحه ۱۹۷ ادامه دارد. این بخش افزون بر قصاید مذهبی و زاهدانه، دربردارنده قصاید و ترکیب‌بندهایی در ستایش امیر علیشیر و بزرگان دیگر است (دانش پژوه و علمی انواری، ۱۳۵۸، ج ۲: ۷۰).

۲-۲ نسخه «د»

این نسخه به شماره ۲۶ در مخزن کتابخانه سازمان دهخدا نگهداری می‌شود. بعد از نسخه اساس نزدیک‌ترین نسخه به زمان شاعر است و شامل قصاید مدحی و مذهبی است و کمابیش نسخه کاملی است. از نظر موارد اختلاف به نسخه اساس نزدیک‌تر و گاهی صحیح‌تر از آن است. برپایه تاریخی که کاتب در پایان دیوان آورده، در سال ۱۰۰۲ یا ۱۰۰۳ نوشته شده است و ۲۰۷ برگ دارد. مشکل اصلی این نسخه، پراکندگی صفحات کتاب است. این اثر بسیار بدون دقت صحافی شده، به طوری که پی‌درپی بودن صفحات رعایت نشده است و گاه ادامه قصیده‌ای در جای دیگری می‌آید.

۳-۲ نسخه «ل»

این نسخه به شماره ۲۵۱۴ در مخزن کتابخانه ملی نگهداری می‌شود و در مجموعه‌ای قرار دارد که دربردارنده دیوان نظام و برادران او (طایری و مهدی) است. این نسخه با خط نستعلیق خوش و به گمان بسیار در سده ۱۲ به دست کاتبی نامعلوم نوشته شده است. این اثر تنها نسخه‌ای است که سخنان نظام به نثر در آن آمده است (انوار، ۱۳۴۳، ج ۶: ۱۵).

۴-۲ نسخه «ج»

این نسخه به شماره ۱۳۹۸۳ در مخزن کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. محمدحسن مکتب‌دار آن را در ۱۳۱ برگ در ۲۴ ربیع الاول ۱۰۶۵ قمری نوشته است. این نسخه فقط قصاید را آورده که بیشتر آنها در منقبت ائمه است و بسیاری از قصاید مدحی بزرگان را ندارد؛ بنابراین نسخه کاملی نیست. این نسخه بسیار قدیمی است؛ اما با بی دقتی بسیاری نوشته شده است و با نسخه اساس اختلاف‌های بسیاری دارد. از نادرستی‌های املائی نیز خالی نیست (صدرایی خویی، ۱۳۷۷، ج ۳۷: ۲۳۱).

۲-۵ نسخه «س»

این نسخه به شماره ۳۷۵/۲ در کتابخانه مدرسۀ عالی شهید مطهری (سپهسالار) نگهداری می‌شود و با خط نستعلیق در سده ۱۱ هجری نوشته شده است؛ فقط قصاید مذهبی و زاهدانه را دارد و در بیشتر موارد با نسخه اساس منطبق است. گاهی بیت‌ها را ناقص نوشته یا جای واژه‌های را خالی گذاشته است (حدائق شیرازی و دانش پژوه، ۱۳۱۵، ج ۲: ۶۷۹).

۲-۶ نسخه «معج»

این نسخه به شماره ۹۴۰۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. تاریخ نگارش آن ۱۵ شعبان ۱۲۲۱ هجری است؛ تنها قصاید را در بر می‌گیرد و ۹۹ برگ دارد. این اثر متأخرترین نسخه است. دقت املائی خوبی دارد؛ حتی تشدیدها و نقطه‌ها را رعایت کرده است. البته از میان قصاید بیشتری حذف را دارد (حافظیان بابل، ۱۳۸۸، ج ۳۰: ۱۱۳).

۳- نقد تصحیح

۳-۱-۳ نقد کلی دیوان و مقدمه (از آغاز تا صفحه ۴۶)

۳-۱-۱ عنوان روی جلد «دیوان نظام استرآبادی» است؛ اما افزون بر دیوان، مثنوی سعادت‌نامه و رسالۀ دستور معما را نیز در بر دارد. این دو اثر حجم بالایی (سعادت‌نامه: ۶۰۰ صفحه) دارند و بهتر بود در مجلدی جداگانه چاپ می‌شد یا دست‌کم بر روی جلد با اشاره به این محتوا، عنوان بهتری مانند «کلیات اشعار» انتخاب می‌شد.

۳-۱-۲ بعد از فهرست مطالب و مقدمه، برپایه رسم دیوان‌های چاپی انتظار می‌رود فهرست قصاید نیز دیده شود؛ اما چنین فهرستی، در مقدمه و در پایان کتاب وجود ندارد؛ بنابراین تلاش برای یک نگاه کلی به دیوان و خواندن مطلع قصاید و آگاهی از حجم هر قالب شعری، تلاشی بی‌ثمر است.

۳-۱-۳ ارجاع‌های ناقص کتاب همه‌جا دیده می‌شود؛ برای مثال:

الف) صفحه اول مقدمه در پاورقی به کتاب‌های مجالس المؤمنین و تاریخ ادبیات ایران از ادوارد براون ارجاع داده شده است؛ اما در کتاب‌نامه این دو کتاب معرفی نشده‌اند. همین کتاب‌نامه ناقص بعد از حرف «س» ادامه ندارد و گویا فراموش شده است که ادامه آن به نسخه چاپی افزوده شود.

ب) در صفحه ۱۲، پاورقی ۱ به خلاصه‌الاشعار ارجاع داده شده است؛ اما معلوم نیست این منبع، چاپی است یا نسخه خطی. در کتاب‌نامه نیز نامی از خلاصه‌الاشعار نیست.

ج) صفحه ۱۹، بند سوم به خلاصه‌الانخبار و مآثرالملوک از میرخواند ارجاع داده شده است؛ اما این دو اثر در کتاب‌نامه معرفی نشده‌اند.

د) در صفحه ۲۲ سطر سوم نوشته است: «باتوجه به اینکه سلطان حسن میرزا در سال ۹۱۵ ق فوت کرده است»؛ اما در واقع سلطان حسین در سال ۹۱۱ هجری درگذشته است (خواندمیر، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۱۰-۱۱۳؛ صفوی، ۱۳۸۹، ۱۶-۱۸).

ه) ارجاع پاورقی ۲ در صفحه ۲۵ به سلطان حسین بایقراست و چنین نوشته شده است: «پسر شاهرخ (۸۲۴-۹۱۱)» که این، تاریخ تولد و مرگ سلطان حسین است نه شاهرخ. از سوی دیگر سلطان حسین فرزند شاهرخ نیست.

و) صفحه ۲۷ در پاورقی ۱ چنین آمده است: «حبیب‌السیر، ص ۱۹۹»؛ یعنی بدون ذکر مجلد، شماره صفحه آورده شده؛ حال آنکه این مطلب در جلد چهارم این کتاب آمده است.

۳-۱-۴ غلط‌های املائی

«عالیجناه» = «عالیجاه» (نظام‌الدین استرآبادی، ۱۳۹۴: ۲۷)

۳-۱-۵ غلط‌های انشایی

صفحه ۲۶ پاورقی ۱ سطر ۱: «در زمان یعقوب، کشمکش‌های سادات که در زمان اوزون حسن تا آن زمان استمرار یافته بود...»؛ درست آن، عبارت است از: «از زمان اوزون حسن...».

صفحه ۳۲ سطر ۱۵: «خواجه فخرالدین بتکچی از بزرگان این خاندان بود که در سال ۸۹۵ تا ۸۹۹ ق گرفتار حبس می‌شود...»؛ درست آن، عبارت است از: «از سال ۸۹۵ تا ۸۹۹».

۳-۱-۶ برداشت‌های نادرست از اشعار

در صفحه ۳۷ سطر ۱۳ و ۱۴ چنین نوشته شده است: «...در منزل اول به فرشته‌ای زیبا برمی‌خورد که پیک سریع‌السیر پیامبر است...»؛ حال آنکه منظور شاعر، حضرت علی^(ع) است:

بود پیک سریع‌السیر آن شاه فلک‌مسند که پیشش خسروان گویند آمنّا و صدقنا

ولی حضرت عزّت، محیط گوهر نصرت شه تخت «سلونی»، شهریار کشور والا

همچنین در سطر ۲۰ نیز دچار همین اشتباه شده و نوشته‌اند: «... نورانیتش را از سودن پیشانی به درگاه محمد^(ص) دارد...»؛ حال آنکه منظور شاعر حضرت علی^(ع) است:

ز رویش نور، تابنده، مگر سوده است رخساره به درگاه شهنشاه معالی‌جاه عالی را

شه تخت امامت آن که هست و بوده و باشد منیر از شمع رخسارش اگر دنیا اگر عقبی

البته این بی‌توجهی به معنای اشعار در تصحیح، بسیار است و نمونه‌هایی از آن در ادامه خواهد آمد.

۳-۱-۷

در صفحه ۴۴ در تعیین ارزش نسخه «مج» نوشته شده است: متأخرترین نسخه است و نسخه کاملی نیست؛ اما با کمال تعجب در بررسی متن اشعار می‌توان دریافت، در بخش‌های بسیاری ضبط‌های این نسخه بر نسخه‌های دیگر ترجیح داده شده است (شاید به سبب خوانابودنش).

۳-۱-۸ شیوه تصحیح

در بیان شیوه تصحیح چنین آورده‌اند: «از میان نسخه‌های موجود نسخه‌ای را که از اعتبار و اصالت بیشتری برخوردار بود و به دلایلی که ذکر شد از بقیه کامل‌تر و قابل استنادتر به نظر می‌رسید، برای متن اصلی برگزیدیم؛ سپس نسخه‌های دیگر را با آن مطابقت دادیم و هر جا تفاوتی بود در پاورقی‌ها آوردیم... هنگام مقایسه تفاوت نسخه‌ها اگر در جایی، انتخاب نسخه دیگری از انتخاب نسخه اساس مناسب‌تر به نظر رسیده آن را برگزیده و در پاورقی توضیح داده‌ایم که البته تعداد این موارد اندک‌اند» (نظام‌الدین استرآبادی، ۱۳۹۴: ۴۵).

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا اختلاف‌ها کم بوده است یا آنچه لازم دیده‌اند در پاورقی ثبت کنند، اندک است؟ با بررسی یک قصیده می‌توان دریافت اختلاف‌ها بسیار است؛ اما این اختلاف نسخه‌ها در پاورقی بسیار اندک بیان شده است و البته نکته‌های ثبت‌شده نیز گره‌گشای معنا و کمکی برای درک شعر نیست. همچنین برخلاف توضیح بالا، تصحیح‌کنندگان بیشتر ضبط‌های نسخه‌های مؤخر را بر نسخه اساس و دیگر نسخه‌های اقدم ترجیح داده‌اند که شواهد آن در ادامه ارائه می‌شود. اگر مصححان گرامی به همین روش پیشنهادی خودشان پایبند می‌ماندند و روش تصحیح برپایه نسخه اساس را ادامه می‌دادند، بسیاری از خطاهای تصحیح پیش نمی‌آمد؛ به‌ویژه که نسخه‌های «ل» و «د» از نظر

خوانش مشکلی ندارند؛ اما گویا به سبب واضح بودن و خوش خطی، نسخه «مج» ۹۴۰۶ در جاهای بسیاری ترجیح داده شده است. تصحیح‌کنندگان در همان صفحه (بند سوم) چنین گفته‌اند: «در بعضی ابیات به‌خصوص در قطعات، واژگانی مهجور به چشم می‌خورند که معنای آن را در پاورقی آورده‌ایم». در همه دیوان در بخش مقطعات، تنها سه واژه معنی شده است و قصاید، انباشته از لغات ناآشنا و گاه مشکلی است که (نه در پاورقی، بلکه در واژه‌نامه‌ای جداگانه) نیازمند بیان معناست؛ از آن جمله است: یعسوب، یرلغ، وساده، وایه، نیفه، نحاس، مُمرّد، مَکِل، مُطلّس، مَجبول، لَقوّه، کونکار، قِنطِر، قَضیم، فُواق، صَلَف، ساکِب، خول، حِکّه، جَزِق، جَرَد، تُتَق، بَهله، اِبَره، اَصال و

۲-۳ ایرادهای تصحیح متن

۱-۲-۳ آشنانبودن تصحیح‌کنندگان با شیوه‌های نگارش کهن و خوانش‌های نادرست دست‌نویس‌ها

به سبب آشنانبودن تصحیح‌کنندگان باروش‌های تصحیح و شیوه‌های نگارش کهن و رسم‌های نوشتاری کاتبان در سده‌های مختلف، در در خوانش متن بسیار دچار اشتباه شده‌اند. ذکر همه موارد به سبب حجم بسیار شواهد ممکن نیست؛ در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

(۱)

کلیم بخت فرعونی جهان را ساخت ظلمانی سهیل از جرم نورانی عیان کرد آتش موسی

(همان: ۵۰)

واژه «کلیم» به صورت «کلیم» ثبت شده که آشکارا نادرست است و با معنای بیت سازگار نیست. ضمن اینکه بیشتر نسخه‌ها «گ» و «ک» را به یک شکل ثبت کرده‌اند.

(۲)

همان بادی که بُردی هر طرف تخت سلیمانی غبارش را کنون هر سو برد زین تخته غرا

(همان: ۶۰)

واژه «غبرا» به صورت «غرا» ثبت شده که کاملاً نادرست است. نسخه اساس کاملاً خواناست (۸۲۶/۴۶).^۱

(۳)

نگر بر صبح کز بیم خدنگ شست بیداری چه سان سازد نهان اندر بغل آینه بیضا

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۰)

واژه «بیدادی» به شکل «بیداری» ثبت شده است؛ درحالی‌که نسخه‌ها بسیار خوانا هستند و شیوه سخن نیز خود راهنمای خوبی است (۸۲۶/۴۶؛ ۲۵۱۴/۲۹۹).

(۴)

به فرش خلد، فراش پگه خیز ازل افکند برای خیل خدامش، کلیم سایه طویبا

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۵)

«کلیم» درواقع «کلیم» است که با شیوه معنایی بیت به‌آسانی دریافته می‌شود.

(۵)

زهی گوش خرد را نکته لطفت، بهین گوهر به پیش گوهر لفظت بود لولو کمین لالا

(همان: ۶۷)

نسخه‌های اساس، ملی، دهخدا «نطقت» ثبت کرده‌اند که با معنای بیت سازگار است (۸۲۶/۴۹؛ ۲۵۱۴/۳۰۵).

(۶)

تا مه‌د خاک گشته مه‌د جنینِ عیش صورت نیسته در رحم چرخ غصه را

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۸)

نسخه‌های «د» و «ل»، «غصه‌زا» ثبت کرده‌اند که معنی بیت نیز با آن متناسب است (۲۵۱۴/۲۷۸).

(۷)

دل بر جهان منه که جهانست بس دغل غافل مشو که چرخ حریفست بس وغا

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۸)

همه نسخه‌ها «دغا» ثبت کرده‌اند (برای تصویر نسخه «س» ر.ک: تصویر شماره ۸). از نظر معنایی نیز «وغا» جایگاهی ندارد.

تصحیح‌کنندگان در بخش‌های بسیاری، ثبت‌های نسخه «مج» را برگزیده‌اند که متأخر از همه نسخه‌هاست؛ اما در این مورد املاهای بسیار روشن «دغا» را در این نسخه نادیده گرفته‌اند (۲۵۱۴/۲۷۸؛ ۹۴۰۶/۲۱).

(۸)

آهسته نه، به خاک، قدم ز آنکه می‌دهد از فرق خاکیان، خبری بر نشان ما

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۸)

همه نسخه‌ها «هر نشان پا» ثبت کرده‌اند. تصحیح‌کنندگان بر پایه نسخه «مج» از همه نسخه‌ها متأخر است، به جای «قبر» نیز «فرق» را برگزیده‌اند (۲۵۱۴/۲۷۸؛ ۹۴۰۶/۲۱).

(۹)

در پایه نخست رضا گر کنی مقام بر دوش رفعت تو شود کهکشان روا

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۹)

بر پایه ثبت نسخه «ل» و «س»، «ردا» باید باشد (۲۵۱۴/۲۸۰؛ ۳۷۵/۱۳).

(۱۰)

بهر غذای حرص شود پشت دل، قوی دل را اگر ز خوان ریاضت دهی غذا

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۹)

باتوجه به معنای بیت «غزای» حرص درست است.

(۱۱)

کوه گران عدیل رکابش گه وقار شیر عرین چرخ، زبونس دم وغا

(همان: ۷۱)

مصراع اول در نسخه‌های «ل، ج، د، س» چنین است: «کوه گران رکاب، عدیلش گه وقار» (۳۷۵/۱۴).

(۱۲)

گر آفتاب تربیتت پرتو افکند گردد عدیل جزع یمان، سنگ گهربا

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۷۲)

همه نسخه‌ها «کهربا» ضبط کرده‌اند. «گهربا» معنی ندارد.

(۱۳)

فتاده تحت سلیمان ز دوش باد به خاک که افکند به زمین هرچه برگرفت صبا

(همان: ۷۴)

بدون مراجعه به نسخه‌های خطی نیز مشخص است که باید «تخت» سلیمانی باشد. البته همه نسخه‌های موجود، این کلمه را با نقطه ثبت کرده‌اند.

(۱۴)

طیب حاذق لطفش به جای شربت مهر برون برد ز دماغ جهان، سحر سودا

(همان: ۷۵)

همه نسخه‌ها «جام» ثبت کرده‌اند. معنی بیت نیز بسیار آشکار است و «جای» در بیت جایگاهی ندارد.

(۱۵)

همنفس روح قدس در خلوات خفی همسفرش جبرئیل در درجات علا

(همان: ۷۷)

نسخه‌های «ج، ل» «همنفسش» ثبت کرده‌اند. باتوجه به قدمت نسخه «ج» و معنای بیت و داشتن قافیه درونی و ابیات بعدی بی‌شک ضبط «همنفسش» صحیح است. دو بیت بعدی نیز قافیه درونی دارد:

سرو خرامان قدش در چمن فاستقم تیر تابان رُخش بر فلک و الضحاحا

از غضب و لطف او حالت موت و حیات وز رخ و گیسوی او رونق صبح و مسا

(همان)

(۱۶)

ساحت گیتی گرفت شاه مرصع سریر گرتۀ زر چاک زد چرخ ملامع قبا

(همان: ۷۸)

ثبت نسخه «ل» «گرتۀ» و ثبت «ج» «درتۀ» یا «ورتۀ» است. «گرتۀ» به معنای پیراهن، با معنای بیت سازگار است و در فرهنگ‌ها واژه «گرتۀ» و «درتۀ» و «ورتۀ» ثبت نشده است.

(۱۷)

از رُخشان یافته، چهرۀ تابان، مهر وز غمشان یافته، قد سپهر، انحنای

(همان: ۷۹)

نسخه «ل» بدون نقطه نوشته، «ج»، «یافته» و «مچ»، «تافته» ضبط کرده‌اند. باتوجه به خوانش و معنای بیت و تکرار «یافته» در مصراع دوم، «تافته» صحیح است. البته بیت قبلی به درک این بیت کمک می‌کند؛ شاعر در وصف امام حسن^(ع) و حسین^(ع) می‌فرماید:

آن دو کریم‌النسب و آن دو عظیم‌الحسب آن دو جلیل‌اللقب و آن دو جمیل‌اللقبا

از رُخشان یافته، چهرۀ تابان، مهر وز غمشان یافته، قد سپهر، انحنای

(همان)

گفتنی است این حرکت گذاری و علایم سجاوندی در نسخه چاپی رعایت نشده است و برای درک یک بیت چند بار باید آن را خواند.

(۱۸)

شه زمانه‌ام انعام داد و لطف نمود که باد به اوراد لطف منعم وهاب
(همان: ۹۸)

هر سه نسخه «اساس، ل، د»، «یاور او» ضبط کرده‌اند که درست خوانده نشده است (۸۲۶/۱۷۴؛ ۲۵۱۴/۱۰۸).

(۱۹)

از حمر توست طاس پُر از خون و مردمک آغشته در میانه خون است چون ذباب
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

نسخه‌های اساس، دهخدا، ملی، «حمرتست» ثبت کرده‌اند (۸۲۶/۱۰۳؛ ۲۵۱۴/۴۷) (حُمَرَت: سرخی، نوعی آماس در بدن، باد سرخ، ورم حار صفراوی محض). در واقع بیت چنین است:

از حُمَرَت است طاس پُر از خون و مردمک آغشته در میانه خون است چون ذباب

معنی بیت: چشم از بیماری رَمَد سرخ شده و مثل طاس پر خون است و مردمک مانند مگسی در میانه طاس دیده

می‌شود.

(۲۰)

از نور آفتاب ز دست رمد رهد چون شیپرش نمانده بر آفتاب تاب
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

هر سه نسخه «اساس، ل، د» «رمد» ثبت کردند. شاعر با تکرار «رمد» جناس تام ساخته است. نسخه‌ها نیز بسیار خوانا هستند (چشم از بیماری رمد، از آفتاب می‌رمد، مثل شب‌پره‌ای که تاب آفتاب ندارد) (۸۲۶/۱۰۳؛ ۲۵۱۴/۴۷). گفتنی است به سبب بسیار بودن حجم شواهد، بیان همه آنها ممکن نیست.

۲-۲-۳ عیب‌های عروضی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسخه‌های منظوم، وزن است که اهمیت بسیاری در خوانش و اصلاح متن دارد و تصحیح‌کنندگان آن را در نظر نگرفته‌اند و در خوانش درست بسیاری از ابیات خطا کرده‌اند. نمونه‌هایی از این خطاها در ادامه بیان می‌شود.

(۱)

گهی از انکساف آثار قهر و دهر فرسایش سیه سازد دل خور چون درون لاله حمرا
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۳)

«و» در مصراع نخست زاید است و در هیچ‌یک از نسخه‌ها وجود ندارد (۸۲۶/۴۸؛ ۲۵۱۴/۳۰۲).

(۲)

خود حسود و نوبت هیجا ز تیغ تو با زخم بی‌شمار چو بار صنوبر است
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۵)

در اینجا نیز «و» زاید است (۸۲۶/۱۶۹).

۳-۲-۳ افتادگی برخی واژه‌ها

بسیار دیده می‌شود که واژه‌هایی از ابیات افتاده‌اند. باتوجه‌به خوانابودن بیشتر نسخه‌ها، به‌جز بی‌دقتی، عامل دیگری

برای این موضوع نمی‌توان در نظر گرفت. ذکر همه شواهد باعث اطناب می‌شود؛ به همین سبب در ادامه به برخی از آن اشاره خواهد شد:

(۱)

جهان، چنین که در خوشدلی به رویم بست چه سان خاطر غمگین وزد نسیم مراد
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۸)

«به» در مصراع دوم افتاده است: «چه سان به خاطر غمگین وزد نسیم مراد».

(۲)

نزد جلال‌ت تو سلیمان نزد نفس مَه‌ری که داشت ملک به آن بر زبان...
(همان: ۱۷۸)

«نهاد» در جایگاه ردیف قصیده از مصراع دوم افتاده است. البته بدون حرکت‌گذاری و علایم نگارشی خوانش بیت نیز مشکل شده است:

نزد جلال‌ت تو، سلیمان نزد نفس مَه‌ری که داشت مُلک به آن، بر زبان نهاد
(۳)

کسی که راغب انعام دعوتش نبود بود ز جمع کالانعام بلکه ... اضل
(همان: ۳۶۴)

«بلکه هست اضل»؛ واژه «هست» از قلم افتاده است.

(۴)

از پی طی طریق حرم وصل حیب خیز از جا بشنو قم‌قم ... آواز حمام
(همان: ۳۷۲)

در هر سه نسخه «اساس، ل، د» که این قصیده را ثبت کرده‌اند، مصراع دوم چنین است: «خیز از جا بشنو قم‌قم از آواز حمام».

(۵)

وقت سحر چو دید علو تو را سپهر خوی ریخت از ستاره ز بس انفعال یافت
لرزید بعد از آن ز نهیبت بدان صفت کز وی خط شهاب خم و پیچ و نال یافت
(همان: ۱۶۱)

نسخه «ل» با «و» نوشته است. «و» زاید است. حرکت شهاب به پیچ و خم نی تشبیه شده است:

لرزید بعد از آن ز نهیبت بدان صفت کز وی خط شهاب خم و پیچ نال یافت
۳-۲-۴ برتردانستن ضبط‌های نادرست از نسخه‌بدل‌ها

(۱)

برای گوهر مقصود ای غواص کوتاه دست چه یازی دست بر ساحل که بس ژرفست این دریا
(همان: ۶۰)

سه نسخه اساس و ملی و دهخدا، «دست از ساحل» و دو نسخه مجلس «دست بر ساحل» ثبت کرده‌اند؛ اما تصحیح‌کنندگان «بر» را برگزیده‌اند. باتوجه به معنای بیت آشکار است که باید «از» باشد نه «بر»؛ زیرا گوهر در ته

دریاست و نمی‌توان «از» ساحل دست دراز کرد و آن را به دست آورد.

(۲)

مرآت دل زدای ز زنگ هوس که هست از انخساف، مشعلۀ مهر کم ضیا

(همان: ۶۸)

نسخه‌های «د، ل، س»، «ماه» ثبت کرده‌اند؛ پیام بیت نیز بیانگر خسوف ماه است نه کسوف مهر (۳۷۵/۱۲).

(۳)

زهی ز لنگر حلم تو اصل و فرع درنگ زهی ز رشته عزم تو تار و پود شباب

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۹۷)

هر سه نسخه‌ای که این قصیده را دارند (اساس، ل، د)، در مصراع دوم «خهی» نوشته‌اند. نسخه «ل»، «شباب» را بدون نقطه و نسخه اساس، «شباب» نوشته است؛ اما نسخه «د»، «شتاب» ضبط کرده است. باتوجه به معنای بیت و تضاد بین «درنگ» و «شتاب»، انتخاب «شتاب» درست است.

(۴)

گر سواد سخن من شنود نصب‌العین شوی آگه که ز شعرم چه نصیب است و نصاب

(همان: ۱۱۰)

نسخه اساس «شودت» و دهخدا «شنود» ثبت کرده است. آشکار است که «شنود» در این بیت معنایی ندارد:

گر سواد سخن من شودت نصب‌العین شوی آگه که ز شعرم چه نصیب است و نصاب

(۵)

تو را هم شد میسر دولت معراج، آن ساعت که بَنهادی رسول یثربی را پای بر مرکب

(همان: ۱۱۸)

نسخه‌های «ج، د، ل»، «مَنکِب» ثبت کرده‌اند؛ اما نسخه «س»، «مرکب» ضبط کرده است. باتوجه به موضوع بیت (بالارفتن حضرت علی^(ع) از شانه‌های پیامبر) و معنی واژه «مَنکِب» (بازو، کتف، دوش) بی‌شک «مَنکِب» صحیح است.

(۶)

خواست چون غوغا نشستن از سیاست کس ندید غیر نوک نیزه، کان در سینه اعدا نشست

(همان: ۱۳۰)

نسخه اساس «سپاهت» ضبط کرده است؛ اما در متن چاپی، ضبط نسخه‌بدل‌ها نوشته شده است که با معنای بیت سازگار نیست.

(۷)

صد شط بغداد، خالی ساختی از خون خصم تا شهنشاه رسل بر مسند بطحا نشست

(همان: ۱۳۰)

نسخه‌های «اساس، ل، س»، «جاری» ضبط کرده‌اند. تنها نسخه «ج»، «خالی» ثبت کرده است که با معنای بیت متناسب نیست.

(۸)

زین آسمان کج رو ناراحت هیچگه تیر از کمان داعیه ما نرفت راست
(همان: ۱۳۱)

نسخه‌های «ل» و «ج»، «ناراست» ضبط کرده‌اند که بر نسخه «حت» ترجیح دارد و با معنای بیت متناسب است. همچنین با «راست» در پایان بیت تضاد زیبایی می‌سازد.

۳-۲-۵ کاستی‌های املائی، نوشتاری (تایی) و ویرایشی

در این چاپ نادرستی‌ها و بی‌دقتی‌های املائی و ویرایشی بسیاری دیده می‌شود که سزاوار چنین اثری نیست؛ چند نمونه در ادامه ذکر می‌شود.

(۱)

به گوگرد قناعت گرکشی سیماب حرص ای دل به گنج فقر ازین اکسیر، یابی خط مستوفا
(همان: ۶۱)

نبود فاصله بین «گر» و «کشی» خوانش را مشکل می‌کند (به گوگرد قناعت گر، کشی سیماب حرص ای دل...).
(۲)

بر ارباب رازش روز قدر و قیمتی نبود هرانکو شمع سان راز شب تاری کند رسوا
(همان: ۶۲)

منظور، «هر آن کو» است که سرهم‌نویسی، آن را به این شکل درآورده است.
(۳)

بحر قناعتست به موج اندر آمده عریان تنی که هست منقش زبوریا
(همان: ۶۹)

در این بیت سه مشکل دیده می‌شود؛ سرهم نوشته شدن «قناعت است»؛ نداشتن تشدید «منقش»؛ نداشتن فاصله در «ز بوریا».

(۴)

در منهج مسافت قرب جناب او اعمی و شیم و هادی ما شرع مصطفی
(همان: ۷۰)

در واقع واژه منظور «اعمی و شیم» است؛ یعنی «اعمی‌وش هستیم» (نابینا هستیم).
(۵)

در عنفوان عهد شباب از علوشان شد عقل و دولت تو مهم ساز شیخ و شباب
(همان: ۹۵)

منظور از «علوشان»، «علو شأن» است. «مهم ساز» یک واژه است و باید با نیم‌فاصله (مهم‌ساز) نوشته شود.
(۶)

دارای عهد خسرو غازی که از علو بر آسمان ز دست سرپرده جلال
(همان: ۳۵۱)

«زدست» در اصل «زده است» بوده و به خاطر وزن شعر این‌گونه خوانده و نوشته شده است؛ البته املائی

دست‌نویس‌ها بسیار درست است و فاصله‌ها رعایت شده است (۹۲۶/۱۸۷).

(۷)

آمد ندا ز غیب که ای خورده بی‌جهت از دست روزگار سمتکاره گوشمال
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۳۴۳)

«ستم‌کاره» باید نوشته شود.

(۸)

نداده مشلعه قدرتش فروغ خطا ندیده آینه عزتش غبار ذلیل
(همان: ۳۶۲)

«ذلل» به معنی «لغزیدن و خطا» است.

(۹)

به روز حشر که صعبت کار بر کل ران تساهلات مرا بر طریقه اسهل
(همان: ۳۶۵)

در همه نسخه‌ها «برگذران» ثبت شده است.

(۱۰)

ارقام کلک معرفتش زینت علوم ذُرّ نفیس منقبش زیور کلام
(همان: ۳۶۷)

«ذُرّ» صحیح است.

(۱۱)

مشعل خور نشست و خواست ازو دود ظلمانی شب شبه فام
(همان: ۳۷۰)

ثبت همه نسخه‌ها «خاست» است. البته بدون مراجعه به نسخه‌ها نیز معنی راهنماست.

(۱۲)

اشهب و ادهم دهرند تو را در فرمان ساعد و هابط چرخند تو را از خدام
(همان: ۳۷۵)

در هر سه نسخه «اساس، ل، د» که این قصیده را ثبت کرده‌اند، «صاعد» ضبط شده است.

(۱۳)

ز شوق بار وقار زمین ثبات تو است که کوه یافته اندام کوهنه جملی
(همان: ۴۹۰)

ثبت همه نسخه‌ها «کوهه» است.

(۱۴)

نهان شد گرچه زیر خط مشکین عارضت لیکن هنوزت هست پیدا در چنین آثار زیبایی
(همان: ۴۹۳)

این قصیده در دو نسخه اساس و «د» ثبت شده است و در آنها این کلمه به صورت «جبین» آمده است.

(۱۵)

ز ابر سرمدی لطف قطره‌ای بچکاید به بحر جاه تو شد نقش چرخ دایره‌سان
(همان: ۴۰۹)

کلمه درست، «بحر» است.

(۱۶)

به خنده گفت که ای در بلای غصه اسیر بلا بگفت که ای از جفای چرخ زبون
(همان: ۴۱۲)

همه نسخه‌ها «بلا به گفت» نوشته‌اند که در اصل «به لابه گفت» است.

۳-۲-۶ حفظ شیوه نگارش نسخه‌ها

کاتبان نسخه‌های خطی برای ثبت «ب، پ» و «ک، گ» و «ج، چ» تفاوتی در نظر نمی‌گیرند. همچنین بسیاری از کلمات را پیوسته می‌نویسند. تصحیح‌کنندگان نیز با همین شکل واژه‌ها را ثبت کرده‌اند که گاهی موجب بدخوانی و ناآشنایی شکل املائی واژه‌ها شده است. بی‌دقتی در نوشتن (تایپ) و رعایت نکردن فاصله و نیم‌فاصله نیز بر عیب‌ها و کاستی‌های دیگر افزون شده است.

(۱)

حریص مال در تنگی به اندک قانعست آری به یک دیدن شود راضی گهی کاحول شود اعمأ
(همان: ۶۱)

«که احوال» با املائی سرهم به کندی خوانش و درک بیت می‌انجامد.

(۲)

برای گردن بدخواه سرکشت هر سو کمند برق نگر کاپر نوبهار انداخت
(همان: ۱۲۳)

بهتر بود «که ابر» نوشته می‌شد.

(۳)

زان مانده جان ما که ازین درد سینه سوز پایش فکار متصل از خار ابتلاست
(همان: ۱۳۹)

«فگار» به معنای مجروح است.

(۴)

تا بود راست، خط صفحه دیباجه ملک فکرت راستروت رشته مسطر شده است
(همان: ۱۴۶)

فکرت «راست‌رُوت» یعنی «فکر راست‌رونده تو»؛ اما با این املائی پیوسته، خواننده در نگاه اول درمانده می‌شود.

(۵)

کشور عقل، تو را گشته مسخر ز انسان که مرا مملکت نظم، مسخر شده است
(همان: ۱۴۷)

کلمه منظور، «زان سان» است. همچنین نبود ویرگول بعد از «عقل» و «نظم» خوانش را دچار خطا می‌کند.

(۶)

نام خصمت راند هر کو بر زبان چون خامه گشت رشتۀ جانش طناب جاه محنت همچو نال
(همان: ۳۳۷)

شیوۀ نگارش همهٔ نسخه‌ها «جاه» است؛ اما با توجه به معنی بیت می‌توان دریافت که منظور «چاه» بوده است.

۳-۲-۷ حرکت گذاری‌ها

الف) نبود حرکت گذاری

(۱)

حرامست انبیا را باد جنت بی‌رضای او ز مفتی قدم اول مسجّل گشت این فتوا
(همان: ۶۵)

«قدم» لازم است با کسره نوشته شود (قدم) تا موجب بدخوانی و برداشت نادرست نشود.

(۲)

مسلم گردهم ملک سلامت با فراغ دل به عون رأفت نبود ز هول محشرم پروا
(همان: ۶۶)

«مسلم» و «ملک» بدون حرکت، موجب خوانش نادرست می‌شود.

(۳)

زین زمین و زمن باب حسین و حسن دافع ظلم و فتن والی ملک ولا
(همان: ۷۹)

واژهٔ منظور «زین» یعنی «زینت» است و جالب آنکه نسخهٔ «مج» آن را با حرکت نوشته است (۹۴۰۶/۵).

(۴)

چون به غضب برکشی تیغ نماند عدو مدفن اشیا شود خاکگه انقلاب
(همان: ۱۱۴)

لازم است بعد از «تیغ» نشانهٔ درنگ گذاشته شود تا بیت از معنی دور نشود. «خاکگه» در واقع «خاک، گه» است:

چون به غضب برکشی تیغ، نماند عدو مدفن اشیا شود خاک، گه انقلاب

ب) حرکت گذاری نادرست

(۱)

رفته هر جا عامل خاصیت به ضبط مملکت هیچ کس نادیده دست‌انداز ال در سماع
(همان: ۳۱۷)

تشدید به جای لام بر روی الف گذاشته شده است و نادرست است.

(۲)

در کنج خانه مروحه مال مگس مکن جان طرف باغ تازه کن از جنبش شمال
(همان: ۳۴۴)

تلفظ درست واژه، «مروحه» است و تشدید ندارد. با تشدید وزن شعر نیز پریشان می‌شود.

(۳)

دل سرد ساخته فلک گرم کینه‌اش از بس که کوبد آهن سرد دُر لیام
(همان: ۳۶۹)

«دُر» حرف اضافه است و معلوم نیست با ضمه در این بیت چه معنی می‌دهد. همچنین «دل‌سرد» یک واژه است؛ اما با فاصله نوشته شده است.

(۴)

که عزل می‌شدم از زندگی اگر نشدی مَمَد من کرم نکته‌دان شرع و فنون
(همان: ۴۱۳)

در «ممد» دال مشدّد است نه میم.

۳-۲-۸ جافتادن ابیات

(۱) در صفحه ۷۱ بعد از بیت ۱ در همه نسخه‌ها، این بیت ثبت شده است:

بهر عروج، ذروه بام بلند چرخ زیر سم بُراق، زمین گشت از هوا
(۲) در صفحه ۸۱ بعد از بیت ۳ در نسخه‌های «اساس، ل، ج» این بیت آمده است:

بر خوان این فریق مبر دست احتیاج گر بایدت ز خون جگر ساختن غذا
(۸۲۶/۱۸۲)

(۳) در صفحه ۱۰۰ بعد از بیت ۷ این بیت در نسخه‌های «س، ج، ل» ضبط شده است که هیچ‌گونه توضیحی در پاورقی نیامده و در متن نیز ثبت نشده است.

چکید هر طرفی در فضای بزم افق هزار قطره سیمین ز ساغر می ناب

(۴) در صفحه ۱۱۶، سه بیت ثبت نشده است. بعد از بیت ۳ این بیت جا افتاده است که در سه نسخه «د، ل، س» ثبت شده است:

فروغ شمع دین، هر کس که خود را از اهل دین بود بی مهر او، مانند صبح اولین، کاذب
بعد از بیت ۷ این بیت جا افتاده است که در چهار نسخه «د، ل، ج، س» ثبت شده است:

تماش گرچه بودی دل ولی از راستی هرگز به کار دنی و عقبی نیفتادی به یک جانب
بعد از بیت ۱۰ این بیت جا افتاده است که در چهار نسخه «د، ل، ج، س» ثبت شده است.

تو را گردون گردان آمد ای مطلوب هر سالک فروزان شمع بر کف در شبستان جهان، طالب
(۵) در صفحه ۱۳۰ بعد از بیت ده، در نسخه‌های «ل، س» این بیت ضبط شده است:

بهر گردن‌بند بکر مدحت، پهلوی هم چون گهر ترکیب این دیباچه غرّاً نشست
(۶) در صفحه ۱۸۶ بعد از بیت ۲ بیت زیر در همه نسخه‌ها به جز «مج» آمده است:

نظر به عیب مکن زانکه عیب‌ناک شود کسی که بر کجی ناوکی نظر دارد
(۷) در صفحه ۲۲۰ بعد از بیت ۹ بیت زیر در نسخه‌های «م، ل» ثبت شده است:

شیوه ثابت و سیاره به ما استغناست کس نداند که چه منت بر سر ما دارند
(۸) در صفحه ۲۴۱ بعد از بیت ۹ این بیت جا افتاده است که در همه نسخه‌ها وجود دارد:

در عالم خلاف تو خذلان بود نصیب در راه خدمت تو سعادت شود دوچار

۹-۲-۳ مشخص نبودن ابیات تضمین شده

بهتر است ابیات تضمین شده در داخل گیومه قرار داده شود.

(۱)

به شعر، وقت بیان، کرده ظاهر، این معنی
هنر نهفته چو عنقا بماند زانک
«ظهیر» پاک‌ضمیر، آن مهندس استاد
نماند کسی که باز شناسد همای را از خاد
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۹)

(۲)

ز گفته‌های ظهیر از رهی شنو بیتی
تو راست معجره سروری به استقلال
که در شریعت شعر است این روش مسنون
نه چون نبوت موسی به شرکت هارون
(همان: ۴۱۴)

(۳)

خجسته بیتی از اشعار دلکش سلمان
مرا تصور مدحت چنان بود که بود
درین مقام ز انصاف می‌کنم تضمین
شکسته پر مگسی را هوای علیّین
(همان: ۴۲۷)

۱۰-۲-۳ تکراری چاپ شدن ابیات و مصراع‌ها

در صفحه ۱۹۸ بیت ۳۶ و ۳۸ یکی است که در اصل، بیت ۳۶ اضافه است.

در صفحه ۴۶۰ قصیده ۱۱۹: پنج بیت نخست قصیده درهم و پریشان است و ترتیب چینش ابیات برپایه هیچ نسخه‌ای نیست؛ هرچند نسخه اساس و دیگر نسخه‌ها را به راحتی می‌توان خواند. مصراع «طعنه بر انفاس باد بوستان پیما زده» هم در بیت ۲ و هم در بیت ۴ نوشته شده است.

در صفحه ۴۷۴ بیت ۱ و ۱۰ یکی هستند. درواقع بیت ۱۰ تکراری است.

برای نامه حکمش در ابتدا شده است خط جبین قضا نامزد به عنوانی

۱۱-۲-۳ نداشتن شماره ابیات

این موضوع به گونه‌ای است که نمی‌توان فهمید، قصیده چند بیت است و یا بیت چندم قصیده یا صفحه خوانده می‌شود.

۱۲-۲-۳ اگر نسخه‌ای ادامه شعر را ندارد، به آن اشاره نمی‌شود.

چند مثال:

صفحه ۲۹۱: نسخه «مج» تا بیت ۱۲ این صفحه را دارد و ادامه قصیده را ندارد. صفحه ۳۹۰، نسخه «مج» بیت ۷ به بعد را ندارد. در صفحه ۴۰۹ از قصیده ۱۰۳، نسخه «د» بیت ۵۱ به بعد را ندارد. صفحه ۳۹۷، قصیده ۹۹، نسخه «د» فقط بیت ۴۰ به بعد را دارد.

صفحه ۴۹۴، نسخه «د» بیت ۷ به بعد را ندارد.

۱۳-۲-۳ مشکلات پاورقی‌ها

پاورقی در تصحیح متون، راهنمای مناسبی برای خواننده اهل پژوهش است تا از متن نسخه‌بدل‌ها آگاه شود؛ گاهی

نیز به کمک آنها مقصود بیت را درمی‌یابد و یا انتخاب مناسب‌تری خواهد داشت. در تصحیح، پاورقی‌ها اصول مشخص شده‌ای دارند. تصحیح‌کننده در مقدمه نیز خواننده را راهنمایی می‌کند؛ اما خواننده در این دیوان با مسائل زیر روبه‌رو می‌شود:

الف) ابداع روش تازه در پاورقی‌نویسی: تصحیح‌کنندگان برای نسخه‌بدل‌ها از (+ و -) استفاده کرده‌اند؛ بدون آنکه در مقدمه روش کار را توضیح داده باشد. برای مثال پاورقی‌های صفحه ۸۸ چنین است: پاورقی ۳: «د، ج، مج، س: -از»؛ پاورقی ۴: «د، ج، مج، حت، س: +تو» و یا در صفحه ۱۲۴ این‌گونه آمده است: پاورقی ۲: «حت، ج: - و»؛ پاورقی ۳: «حت: - بار».

ب) اطلاعات نادرست پاورقی درباره نسخه‌ها

این مسئله بسیار زیاد است و کمابیش در همه قصاید و اشعار دیگر نیز دیده می‌شود. برای نمونه چند شاهد ذکر می‌شود:

در صفحه ۴۹، پاورقی ۱: مشخص نشده است نسخه «د» ۲۷ بیت نخست را ندارد.

در صفحه ۵۹، پاورقی ۲: نسخه «س» را جزو نسخه‌هایی آورده است که این قصیده را دارد؛ اما در واقع نسخه «س» این قصیده را ندارد.

در صفحه ۶۸، پاورقی ۱: اساس را جزو نسخه‌هایی معرفی می‌کند که این قصیده را دارد؛ اما چنین نیست.

ج) آشفته‌گی و بی‌دقتی پاورقی‌ها در ارجاع به نسخه‌بدل‌ها

چند نمونه:

صفحه ۵۴، شماره ۴: «ج» آورده؛ در حالی که «مج» است. / صفحه ۵۴، شماره ۶: «حت، ج»: «طرفه». نسخه «د» را ذکر نکرده که ضبطش همین است. / صفحه ۶۲، شماره ۴: «ل، حت: درد»؛ در حالی که ضبط «اساس» و «د» نیز «دردا» است و بر متن کنونی برتری دارد. / صفحه ۶۴، شماره ۱: «اصل: برون». حال منظور از اصل چیست؟ / صفحه ۶۵، شماره ۳: «ج، ل: قدر»؛ در حالی که «س، د» نیز همین را ضبط کرده‌اند؛ اما اشاره‌ای به آنها نشده است. / صفحه ۶۹، شماره ۱: «مج: سما»؛ در حالی که ضبط این نسخه «وطا» است. / صفحه ۷۳، شماره ۱: «اساس، ج، مج، حت، ل (اساس و مج نیز ۱۰ بیت نخست قصیده را ندارند)»؛ حال معنی این جمله داخل کمانک چیست؟ در بررسی مشخص شد که نسخه اساس، این قصیده را ندارد و نسخه «مج» اتفاقاً ده بیت نخست را دارد؛ اما از بیت ۱۱ تا ۴۰ را ندارد. ده بیت اول در برگ ۹ نوشته شده و ادامه قصیده در برگ ۱۷ نوشته شده است که این شاید به سبب آشفته‌گی صفحات نسخه دست‌نویس باشد. / صفحه ۱۸۰، پاورقی ۱ نوشته است: «اساس، بیت را ندارد»؛ اما اساس، این بیت را دارد (ر.ک: تصویر شماره ۲۹).

۳- نتیجه‌گیری

تصحیح‌کنندگان گرامی کوشیده‌اند اثری ارزشمند در زمینه ادبیات آیینی به جامعه علمی و ادبی کشور معرفی کنند. پیشتر فقط در متون تاریخ ادبیات اسمی از این اثر بود که البته خود کوششی ارجمند است. در مجموع با توجه به پژوهش انجام شده و نقد این دیوان نکته‌های زیر را می‌توان به‌طور فشرده بیان کرد.

بهترین شیوه تصحیح برپایه ارزش‌گذاری نسخه‌ها که در مقدمه دیوان نیز آمده، تصحیح برپایه نسخه اساس است. نویسندگان بر آن‌اند که چنین تصحیحی انجام داده‌اند؛ اما در عمل به نسخه اساس و اقدم پایبند نبوده‌اند. در مجموع

نکته‌های زیر درباره این تصحیح بیان می‌شود:

- ۱) عنوان روی جلد هرگز بیانگر محتوای کتاب نیست؛
- ۲) تصحیح‌کنندگان روش علمی برای تصحیح انتقادی نداشته‌اند؛
- ۳) تصحیح‌کنندگان برخلاف آنچه در مقدمه درباره اعتبار نسخه‌ها توضیح داده‌اند، رفتار کرده‌اند و در بیشتر انتخاب‌ها به قدمت و اعتبار نسخه‌ها توجهی نداشته‌اند؛ بنابراین تصحیح از شکل انتقادی دور شده است و درخور اعتماد نیست؛
- ۴) در اختلاف‌های نسخه‌بدل‌ها و انتخاب، به معنای بی‌توجه بوده‌اند و تنها ضبط یکی از نسخه‌ها را بدون مبنای دقیق علمی برگزیده‌اند که نتیجه آن آشفتگی متن است؛
- ۵) به سبب تسلط نداشتن به متون شعری از ابیات، برداشت‌های نادرست شده است که هم در توضیحات مقدمه و هم در تصحیح متن می‌توان آنها را دید؛
- ۶) به سبب توجه نداشتن به وزن‌های عروض در خوانش اشعار خطاهای آشکاری مشاهده می‌شود که موجب برداشت‌های نادرست از ابیات شده است؛
- ۷) ناآشنایی تصحیح‌کنندگان با شیوه نگارش کاتبان و سنت‌های نگارش کهن موجب شده است در خوانش متن خطاهای بسیاری دیده شود؛
- ۸) تصحیح‌کنندگان گاهی کوشیده‌اند شیوه نگارش کهن نسخه‌ها را حفظ کنند که به سبب تناسب نداشتن با نگارش معیار امروزی به بدخوانی و برداشت‌های نادرست از مفاهیم ابیات انجامیده است؛
- ۹) ایجاد روش تازه در پاورقی‌نویسی برای نسخه‌بدل‌ها با بهره‌گیری از (+ و -) بی‌آنکه در مقدمه، روش کار را توضیح داده باشند؛
- ۱۰) متن چاپی، ویرایش نشده و نادرستی‌های املایی بسیاری دارد که مناسب چنین کار علمی‌ای نیست؛
- ۱۱) برای قصاید و قالب‌های دیگر شعر، فهرست نوشته‌اند؛ بنابراین برای دستیابی به شعر منظور باید مدت‌ها کتاب را ورق زد؛
- ۱۲) ارجاعات متن مقدمه و پاورقی‌ها ناقص و آشفته است؛
- ۱۳) نبود تعلیقات، فهم بسیاری از ابیات را دشوار کرده است؛
- ۱۴) فهرست آیات و احادیث ندارد؛
- ۱۵) به سبب کلمات ناآشنای بسیار، لازم است واژه‌نامه‌ای نوشته شود؛
- ۱۶) فهرست منابع ناقص است؛
- ۱۷) بیان مطالب تاریخی که از نظر علمی نادرست است؛
- ۱۸) وجود غلط‌های املایی، انشایی، بی‌دقتی در نوشتن و نداشتن ویرایش، به آشفتگی بسیار در متن انجامیده است؛
- ۱۹) کمابیش بیشتر نسخه‌بدل‌ها در پاورقی نیامده است؛ به جز تعداد اندکی که معلوم نیست بر چه مبنایی استوار است؛
- ۲۰) افتادگی واژه‌ها از بیت‌ها، بسیار دیده می‌شود؛
- ۲۱) ترجیح‌های نادرست از نسخه‌بدل‌ها بسیار است؛
- ۲۲) حرکت‌گذاری‌های نادرست و نگذاشتن حرکت، خوانش متن را مشکل کرده است؛

- ۲۳) ابیاتی از میان قصاید یا دیگر قالب‌ها افتاده است؛
- ۲۴) ابیات تضمین‌شده مشخص نشده است؛
- ۲۵) گاهی ابیات و مصراع‌هایی در یک شعر، تکراری چاپ شده‌اند؛
- ۲۶) ابیات قصاید و قالب‌های دیگر شماره ندارند؛ بنابراین برای فهم تعداد ابیات یک شعر باید آن را شماره‌گذاری کرد؛
- ۲۷) پاورقی‌ها اطلاعات نادرستی درباره نسخه‌هایی می‌دهند که اشعار را دارند؛
- ۲۸) پاورقی‌ها در ارجاع به نسخه‌بدل‌ها آشفته و بی‌سامان‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دستور معما رساله‌ای در آموزش فنون معماست که نسخه‌های آن به شماره «۴۴ ج» و «۵۵۵» در کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است (حجتی و دانش‌پژوه، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۵۹).
۲. در نسخه خطی ۲۵۱۴/۱ کتابخانه ملی، برگ‌های ۲۰۰ تا ۲۰۶ نوشته است: به نثر از زبان نظام که این موضوع را کامل توضیح داده است.
۳. در تذکره هفت اقلیم آمده است: «و او به غیر مدح اهل بیت شعری نگفته، به ترهات اهل دنیا زبان نیالوده...» (رازی، بی‌تا، ج ۳: ۱۰۷)
۴. مثنوی سعادت‌نامه، بر وزن خسرو و شیرین (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) هزج مسدس مقصور محذوف است. موضوع آن زندگی حضرت محمد (ص) و جنگ‌های اوست و بیانی حماسی دارد. این اثر حدود ده هزار بیت دارد و نسخه‌ای از آن به شماره «۳۶۴۲» در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۲۶۴۶ و ۲۶۴۷)
۵. برای شناخت بیشتر شاعر ر.ک: (حمزه‌پور سویی، ۱۳۹۳؛ همان، ۱۳۹۲؛ وفایی و چالاک، ۱۳۹۲؛ حیدری یساوی، ۱۳۹۴؛ همان، ۱۳۹۲؛ پاشایی و حمزه‌پور سویی، ۱۳۹۶).
۶. شماره سمت راست، شماره برگه در نسخه خطی و شماره سمت چپ، شماره نسخه است (برگه ۴۶ / نسخه شماره ۸۲۶).

منابع

- ۱- استرآبادی، نظام‌الدین (۱۳۹۱). دیوان اشعار، تحقیق و تصحیح شایسته ابراهیمی و مرضیه بیگ‌وردی‌لو، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲- ----- (۹۶۷ق). دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۸۲۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۳- ----- (۱۲۲۱ق). دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۹۴۰۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۴- ----- (۱۰۶۵ق). دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۱۳۹۸۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۵- ----- (سده ۱۱ق). دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۳۷۵ کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار).
- ۶- ----- (سده ۱۲ق). دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۲۵۱۴/۱ کتابخانه ملی.
- ۷- ----- (۱۰۰۲ق). دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۲۶ کتابخانه موسسه دهخدا.
- ۸- ----- دستور معما، نسخه خطی شماره ۴۴ج، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- ۹- ----- سعادت‌نامه، نسخه خطی شماره ۳۶۴۲، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.

- ۱۰- انوار، عبدالله (۱۳۴۳). فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ناشر وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
- ۱۱- پاشایی، محمدرضا؛ حمزه پورسوینی، مهدی (۱۳۹۶). «تأثیرپذیری نظام‌الدین استرآبادی از شاعران سبک خراسانی و عراقی و نوآوری‌های او»، فصلنامه بهار ادب، شماره پی‌درپی ۳۶، سال دهم، شماره ۲، ۶۱-۸۰.
- ۱۲- حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۸). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی جلد ۳۰، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۳- حاجتی، محمداقبر؛ دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۴). فهرست نسخه‌های خطی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴- حدائق شیرازی، ضیاء‌الدین؛ دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۱۵). فهرست کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) ج ۲، تهران: دانشکده معقول و منقول.
- ۱۵- حمزه پور سویی، مهدی (۱۳۹۳). «معرفی نظام‌الدین استرآبادی و سبک شعر او»، فصلنامه بهار ادب، شماره پی‌درپی ۲۴، سال هفتم، ۲۶۷-۲۸۵.
- ۱۶- ----- (۱۳۹۲). «بهره‌گیری نظام‌الدین استرآبادی از حسن تعلیل در تصویرسازی با عناصر فلکی»، فصلنامه بهار ادب، شماره پی‌درپی ۱۹، سال ششم، مقاله هفتم، ۱۲۹-۱۴۸.
- ۱۷- حیدری یساوولی، علی (۱۳۹۴). «خون این دیوان که را بر گردن است؟ کهن‌ترین دست‌نویس دیوان ملا نظام‌الدین استرآبادی، مورخ ۹۰۷ق»، آینه پژوهش، دوره ۲۶، شماره ۱۵۱، ۶۶-۹۰.
- ۱۸- ----- (۱۳۹۲). «دیوان نظام یا دیوان بی نظام»، آینه پژوهش، شماره ۱۴۲، ۴۴-۵۳.
- ۱۹- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۶۲). حبیب‌السير، تصحیح دکتر محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- ۲۰- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۱- دانش‌پژوه، محمدتقی؛ علمی انواری، بهاء‌الدین (۱۳۵۸). فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، جلد ۲، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۲- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۳- رازی، امین‌احمد (بی‌تا). هفت اقلیم، تصحیح و تعلیق جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی‌اکبر علمی.
- ۲۴- صدراپی خویی، علی (۱۳۷۷). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۳۷)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۲۵- صفوی، سام‌میرزا (۱۳۸۹). تحفه سامی، تصحیح و تعلیقات فاطمه انگورانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۲۶- وفایی، عباسعلی؛ چالاک، سارا (۱۳۹۲). «نظام استرآبادی و سبک هندی»، فصلنامه زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، سال پنجم، شماره ۱۵، ۱۴۷-۱۶۸.